

رئیس شورای اسلامی شهر بندرعباس از برگزاری جلسه غیر علنی شورای شهر به منظور رسیدگی به دستگیری های اخیر مدیران شهرداری خبر داد و گفت: احتمال اینکه در این جلسه طرح سوال از شهردار بندرعباس در دستور کار قرار بگیرد وجود دارد. فاطمه جراره اظهار کرد: جا دارد از رئیس کل دادگستری استان هرمزگان به منظور ورود به تخلفات در ادارات و دستگاه های مختلف از جمله شهرداری تشکر کنم. وی افزود: در دستگیری های اخیر، اداره کل اطلاعات و نیروی انتظامی نیز موثر عمل کردند و این امید به وجود آمد در آینده شاهد کاهش تخلفات و فساد اداری باشیم. رئیس شورای اسلامی شهر بندرعباس اظهار کرد: به منظور بررسی بیشتر دستگیری های اخیر و اتفاقات رخ داده در شهرداری بندرعباس، شورا جلسه غیر علنی برگزار می کند. وی ادامه داد: این جلسه به درخواست اعضا برگزار می شود و احتمال طرح سوال از شهردار نیز وجود دارد. جراره گفت: باید به مرحله ای برسیم که نگرانی و دغدغه مردم کاهش یابد و شورا نیز با نظارت بیشتر این موضوعات را مدیریت کند و شهردار بندرعباس به صورت شفاف پاسخگو باشد تا مردم از این نگرانی و مشکلات رها پیدا کنند.



## به مناسب سالگرد صدور فرمان مشروطیت و هم زمانی راه اندازی پویش های مردمی هرمزگان

# خطابه تاریخی «محمد امین کرامتی اوزی» به احمد شاه قاجار



هادی صدیقی

شهرت شاهان قاجار به سفرهای بی در پی شان بود که از دلایل موثر در فروپاشی نظام اقتصادی آن زمان ، فقر و فلاکت جامعه و یکی از عوامل اصلی در ناراضی مردم ایران بود. این ناراضی که ریشه در شکل گیری نهضت مشروطه داشت به سرعت توانست به عمر ۱۳۰ ساله سلسله قاجار خاتمه دهد. یکی از این مشروطه خواهان «محمد امین کرامتی اوزی» بود که خطابه ای نوشت برای شاهانی که تا به آن روز به بنادر جنوب ایران سفر نکرده و از حال مردمان آن بی خبر بودند. شخصی که پیگیری راه شوسه لاره بندرعباس را یادآور شد و سهمی در مطالبه گری اهالی جنوب و سواحل نشینان خلیج فارس داشت.

احمد شاه قاجار در روز چهارشنبه هشتم آذر ۱۳۰۱ خورشیدی برابر با ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۴۱ قمری یعنی سه سال قبل از انقراض دودمان پادشاهی قاجار در بازگشت از سفر اروپا وارد بندر بوشهر می شود و مورد استقبال سردار سیه رضاخان و خوانین مناطق ساحلی خلیج فارس و تجار بوشهر قرار می گیرد. در روز جمعه یعنی دو روز پس از ورود احمد شاه به بوشهر، تجار با احمد شاه ملاقات می نمایند که در آن ملاقات «محمد امین کرامتی اوزی» خطابه ای خطاب به احمد شاه می خواند که از آن کمتر گفته و نوشته شده است و در نوع خود جالب و حتی کم نظیر است»

این خطابه که مورد تحسین احمد شاه قاجار و همراهان و حضار قرار می گیرد حاوی نکات مهم و قابل توجهی است که بایستی موشکافانه تر مورد بررسی قرار بگیرد. جدا از قدرت نویسندگی کرامتی و نکته سنجی و تیزهوشی ایشان که چگونه حرفهای مهمی را به شاه گوشزد می نماید که نه تنها سبب رنجش نمی گردد بلکه مورد تحسین قرار می گیرد، شاید این خطابه از آن جهت

که توسط فردی که به عنوان یک تاجر در برابر شاه قرار می گیرد جالب توجه باشد. این شخص تاجر که نه نماینده مجلس است و نه شغل حکومتی یا دیوانی دارد و نه از اشراف و درباریان است و نه از خانواده های تراز اول مملکت بشمار می آید، به خود اجازه می دهد در حضور جمعی شاه جوان را نصیحت کند و از او بخواهد افراد درستکار را به کار گمارد و دست به اصلاح امور کشور زند. وی بدرستی اشاره می کند ایران آنروز با ایران چند سال پیش از آن متفاوت است که اگر متفاوت نبود خود کرامتی نیز نمی توانست چنین خطابه ای را در برابر شاه مملکت ادا نماید

و نشان می دهد در زمان زمامداری احمد شاه قاجار اوضاع مملکت و نحوه اداره کشور بسیار با قبل تفاوت کرده است و ثمره های انقلاب مشروطیت در حال به بار نشستن است. نکته دیگری که در این خطابه قابل بررسی است آنجاست که کرامتی خطاب به شاه می گوید: «... نظر به اینکه ذات ملوکانه اولین پادشاهی است که در این قطر سیاحت و مشاهده می فرمایند...». این جمله نشان می دهد تا پیش از این شاهی به جنوب کشور و سواحل خلیج فارس سفر نکرده است و اوضاع و احوال آن مناطق را به چشم خود ندیده است که بایستی بررسی شود آخرین شاهی که به بنادر جنوب سفر کرده کیست؟ نکته دیگری که قابل توجه است آنکه کرامتی با آنکه خود به تهران رفت و آمد داشته، تشخیص می دهد در تهران دسترسی به شاه مشکل است و رنج سفر را به جان می خرد تا در بوشهر به حضور شاه برسد و این خطابه را ادا نماید. جالب تر آنکه محمد امین کرامتی یکی از تجار و افراد باسواد اهل «اوز» می باشد که آنزمان قریه ای کوچک از لارستان در ایالت فارس بوده است و در واقع قریه زاده ای باسواد اینگونه شاه را مورد خطاب خود قرار می دهد.

برای شناخت بیشتر «محمد امین کرامتی» بایستی به کتاب «یادداشت های محمد امین کرامتی اوزی» مراجعه کرد و این کتاب را از نو شناخت. در این کتاب درباره روانشاد کرامتی آمده است: «مرحوم ملامحمد امین در سال ۱۲۷۰ در اوز در خانواده کرامتی متولد شد. پدر ایشان، مرحوم حاجی محمد هادی، از عالمان و خطاطان زمان خویش بود. او نویسنده کتاب تاریخ دلگشای اوز می باشد. آثار خطی آن مرحوم در مساجد و بالای آب انبارها، هنوز هم موجود است. ملا محمد امین در چنین خانواده ای بزرگ شد و از کودکی قرآن، فارسی و خوشنویسی را در منزل و در مکتب خانه های محلی آموخت. ایشان نزد حاجی شیخ احمد فقیهی، مفتی آن زمان اوز، فقه، نحو و منطق تلمذ کرد. سپس برای تجارت به بنادر، هندوستان، عربستان و کویت رفت و در اوقات فراغت به تحصیل علم پرداخت. در کویت نزد علامه شیخ احمد الفارسی که از علمای زمان خود، مدرس مبارکیه کویت و اهل قلات لارستان بود، تحصیلات خود را تکمیل کرد. در بغداد به خواندن تفسیر طنطا و ی برداخت و بخشی از آن را برای دانش آموزان گرینش و خلاصه کرد که متاسفانه نتوانست آن را کامل کند. وی پس از بازگشت به ایران وکیل دعوی شد و در بندرعباس د فتر



وکالت داشت. مرحوم محمد امین کرامتی به مسائل اوز و ایران حساسیت داشت و چنان که از نامه های ایشان پیداست، در امور خیر و نامه نگاری برای رسیدگی به مسایل اوز فعال بود. یادداشت های وی که در کتاب «یادداشت های محمد امین کرامتی اوزی» به کوشش خانم فرشته کرامتی و با تصحیح و مقدمه روانشاد دکتر محمد شریف کمالی به چاپ رسیده، شامل یکصد کلمه از حضرت علی (ع) و چهل حدیث نبوی، سفرنامه ها، مقاله ها، نامه ها و تلگراف ها به همراه یادداشت های پراکنده مرحوم ملا محمد رسول کرامتی، برادر بزرگ ایشان است. کرامتی در تاریخ دهم اسفندماه ۱۳۲۰ در کویت درگذشته است و آنجا مدفون است.

در این کتاب مشاهده می کنیم، کرامتی شخصی آزادیخواه و مشروطه طلب بوده است که مقالات مختلفی در باب مشروطه همانند «ما و انتخابات» در روزنامه شفق سرخ و «مسئله شرقیه و نفوذ استعماریین» در روزنامه آزادی شرق به چاپ رسانیده است که مطالعه مقالات فوق الذکر حکایت از اشراف کرامتی به اوضاع سیاسی نه تنها ایران بلکه جهان آنروز دارد.

یکی دیگر از نشانه های تجددخواهی کرامتی و همفکرانش در زادگاهش «اوز» تاسیس انجمن ولایتی در تاریخ ۲۶ صفر سال ۱۳۲۶ قمری بدنبال انقلاب مشروطیت است. وی که یکی از شش عضو هیئت رئیسه و در واقع از اعضای هیئت موسس این انجمن بوده است تا زمان استبداد صغیر در آن مشغول به کار بوده و سبب خدمات زیادی به مردم اوز شده است. وی همچنین عضو هیئت منتهی از طرف جماعت لارستانی و بناداری مقیم تهران بوده است.

کرامتی علاوه بر کارهای روزانه و ملاقاتهایی که داشته به آنچه در مجلس تصویب می شده است و نیز حوادث مختلف مملکت علاقمند بوده است و برخی اخبار مهم یا قابل توجه را نیز همانند درگذشت شاهزاده عبدالمجید میرزا عین الدوله در سن ۸۴ سالگی و یا انتصاب امیرعبدالله خان طهماسبی وزارت فواید عامه را در ذیل یادداشت های روز چهارشنبه ۱۰ آبانماه ۱۳۰۶ آورده است. وی درباره طهماسبی نوشته مشارالیه از اشخاص خیلی جدی و صالح و نیک نفس می باشد.

در ادامه اخبار همان روز خبر از اخراج فرج الله خان بهرامی دبیر اعظم از ریاست کابینه دربار نیز می دهد و وی را از اشخاص فاضل و نویسندگان زبردست می داند. آنچه از نوشته های کرامتی بر می آید یکی از دغدغه های ایشان موضوع ساخت راه شوسه بین لار و بندرعباس است.

او در سه شنبه ۹ آبانماه ۱۳۰۶ می نویسد: «... از آنجا رفتم منزل ضیاء الواعظین شیرازی نماینده قشقایی. تقریباً یک ساعت و نیم توقف شد. شخصی است ادیب و خیلی متواضع. راجع به اطراف جنوب صحبت هایی شد و درخواست کردم اقدام نمایند لارعباسی شوسه شود.

سعیدالعلماء مدیر مدرسه متوسطه دولتی سیروس هم آنجا بودند. از اشخاص خاص و با بصیرت.... کرامتی در روز چهارشنبه ۱۷ آبانماه ۱۳۰۶ با امیرسرلشکر عبدالله خان طهماسبی وزیر فواید عامه ملاقات می کند و می نویسد: «... در خصوص تسطیح راه عباسی به لار و شیراز مذاکره کردم و از خصایص طبیعی راه و مزایای آن و فوایدی که از شوسه شدنش بدولت و تجاری رسد و کمک کلی به اقتصادیات و ترقی آن نواحی و ایالت فارس می نماید، صحبت شد. جواب دادند «چون من تازه متصدی وزارتخانه شده ام، هنوز درست از قسمتهائیکه تسطیح می نمایند یا تصمیم گرفته شده که تسطیح کنند، مطلع نیستم و چون فعلاً بودجه ئی هم حاضر و در دست نیست نمی توانم قول بدهم که این راه روزی شوسه خواهیم کرد ولی در صورتیکه راه اینطور مهم و قابل توجه باشد البته صرف نظر نشده و مخصوصاً کلیه توجه اعلیحضرت

شکر خدا که شام سیاه زمانه صبح طرب ز مطلع فرو شرف دمید در این اوان سعادت اقتران که مژده مسرت و صدای تهنیت از هر گوشه و کنار مملکت به مسامع جمهور انام رسیدن گرفت، یعنی آوازه ورود مقدم جلالت نموده موکب فیروزی کوکب اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه اسلام پناه، السلطان احمدشاه ارواحنا فدا، که از مسافرت اروپ مراجعت و عنان توسن مراد به مستقر جاه و جلال سلطنت عظام معطوف فرموده. اینک ساحت بندر بوشهر نخستین قطعه از خاک وطن است که از مضراب خیام گردون احتشام و مرکز سرادقات کیوان مقام رشک بهشت عنبر سرشت گردیده، و شمه لوی آلات دولت روزافزون، خورشیدوار در اهتزاز، و با وجد و نشاط در جولان است، از آنجائی که بشارت این قدوم میمنت نمود، به گوش عالمیان رسید و نسیم بهجت و انبساط از ریاض نشاط بر صدور آدمیان وزید، هر یک از خواص و عوام و اعیان و اشراف با کمال خلوص عقیدت احرام امید حرم بارگاه فلک آسا گردیده به عواطف روحانه سلطانی ملحوظ و به مکارم اخلاق بیکرانه خسروانی محظوظ می باشد.

پس از تشکر این نعمت ذی قیمت عظمی و ادای ادعیه صمیمانه به خاک پای اعلیحضرت شهریاری، آمال و آرزو و چنان است که از نتایج مستحسنه مسافرت و تجربیات ملوکانه، اسباب ترقیات مملکت و سعادت و امنیت از هر حیث فراهم گردیده، وطن محبوب در طریق تعالی و تقدم سیر نماید. اعلیحضرتا امروز سی کرور ملت ایران که به شاه پرستی دائمی معروف و تمسک آنها به عرش ملوکانه ضرب المثل عالمیان بوده است، متوجه ذات خسروانه است که از تدابیر صائبه و از تقویض امور به رجال اکفا و صالحین وطن، این سرزمین، از کابوس آلام و تاخر نجات بیابد.

اعلیحضرتا، ایران امروز غیر از ایران سی سال یا بیست سال و یا ده سال بلکه پنج سال پیش است. پس از آنکه جمیع مشاغل خارجی و دخالت ناجایز استعمار نیز به حمدالله از حسن طویت ملوکانه برطرف و نابود گشته، اشد احتیاج به اصلاحات داخلی دارد که باید کلیه هم و نظر فقط صرف مسائل عمران و ایجاد اسباب ترقی و تقدم نمود، یعنی آن عمران و تقدمی که در جمیع ممالک اروپا مشهود و عیان است.

اعلیحضرتا، مملکت ما نیز مملکتی است که در خور و مستعد همه گونه اصلاحات و ترقی است و کشور ما در مقدمه ممالک است از نه بودن عوائقی که مساعی رجال صحیح عقیم بگذارد. چه عموماً مسکن یک امتی است که دارای یک آئین و یک طبیعت و یک لغت می باشد، و عمدت سیر تقدم هر ملت از وحدت، همان اوصاف است و از این است که دائماً محیط محول رجال و فاتحین عظام و نوابغ دهر بوده و حالیه هم به خطا رفته است هر کس که گمان می برد رجال اکفا، رجال صالح، رجال فعال صحیح در وطن ما وجود ندارد و در صورتی که زمامداری مهام مملکت به کف با کفایت اشخاص وطن پرست و متورین مملکت سپرده شود، طولی نمی کشد که عظمت سابق وطن عود نموده و هر فساد داخلی نیز نابود و زایل خواهد شد.

اعلیحضرتا، در بسیاری از قطر جنوبی مملکت هنوز حالت ملوک الطوائفی و نظام استبداد قدیم باقی است، نظر به اینکه ذات ملوکانه اولین پادشاهی است که در این قطر سیاحت و مشاهده می فرمایند، آرزوی رنجبران ستمدیده این است که در اقرب وقت دست مستبدین و جبارین مقطوع گردیده، دوایر قوانین مشروطیت در همه محال استیفا گردد.

این آمالی است که از ناحیه اعلیحضرت اقدس شهریاری لامع و ساطع و به نظر تحقیق و تدقیق مشاهده می رود، پس با یک زبان اخلاص و شوق آمیزی می گوئیم، زنده باد شاهنشاه جوان و جوان بخت و ترقی خواه ما و پاینده باد استقلال وطن محبوب.»

همایونی هم به تسطیح راههای مهم مملکت می باشد و راه عباسی کرمان که در صدد تسطیح شده اند، نیز بوده آن کافی نیست و باید فکر بهجت تکمیل آنجا هم بنمائیم. این بود جواب ایشان و خیلی مشکل است که راه مذکور در این یک دو سال در فکر تسطیحش بشوند. اصلاً خواه راه ذی اهمیت باشد و خواه نباشد، دولت در مقابل فشار و صدای اهالی آن نواحی یا در اثر مساعی وکلای آن محل تسطیح می نمایند. راههایی که تا امروز تسطیح شده، به همین علت بوده است و راه عباسی-کرمان هم در نتیجه تلگرافات زیادی شدن که از عباسی کردند و کلیه، من می نوشتم. حال اگر اهالی لارستان علاقه به این راه دارند باید دست بردارند و اتصالاً تلگرافات نمایند و یا

از وکلای فارس درخواست کنند که دولت مجبور باین کار بنمایند. اگر غیر از این باشد به عقیده من بزودی راه مذکور تسطیح نخواهد شد. در این مذاکرات من با وزیر، نماینده شیراز سید یعقوب هم حاضر بودم. عبدالله خان موصوف از اشخاص فعال و صحیح العمل می دانند و مردم منتظرند که نواقص این وزارتخانه اصلاح نموده و بهتر از سایرین در وظایف خود توجه و عمل کند. همچنین گفتنی است عنوان «العوذی» که امروزه در پسوند نام اوزیهای ساکن تمام کشورهای حوزه خلیج فارس بکار می رود ابتدا توسط روانشاد محمد امین کرامتی برای اوزیهای ساکن کویت پیشنهاد شد و از آن پس رواج یافت.

## ماجرای به دست آوردن و از دست دادن ها

۱۰۴ سال پیش در چنین روزی پس از مجاهدت های مردم ایران، مظفرالدین شاه قاجار فرمان تشکیل مجلس شورای ملی یا مشروطیت را امضا کرد. مردم ایران که از طرفی با ورود صنعت چاپ با دستاوردهای روز

دنیا آشنا شده بودند و از طرفی در داخل درگیر مشکلات شدید اقتصادی بودند، برای بهبود کیفیت زندگی شان دست به مبارزه با حکومت وقت زدند. پس از پیروزی شان در این مبارزه، ایران دارای مجلس قانون گذاری شد و حکومت کشورمان از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه تبدیل شد. اتفاق از آنجا که برای اولین بار زمینه حضور مردم در تصمیم گیری های کلان کشور فراهم کرد، گام مهمی در راستای رسیدن به آزادی های مدنی به شمار می رفت. طولی نکشید که این دستاورد تاثیر خود را از دست داد. متن قانون شفاف نوشته نشد. درباریان که از مخالفت ولیعهد با مشروطه خبر داشتند، در مسیر امضای قانون اساسی سنگ اندازی کردند تا او از تبریز به تهران برسد. در نهایت محمدعلی شاه پس از به سلطنت رسیدن تا انحلال و به توپ بستن مجلس پیش رفت. او در نهایت مجبور به واگذاری سلطنت به پسرش و مشروطه ظاهر پیروز شد. اما عوامل مختلفی دست به دست هم داد تا مجلس قانون گذاری ایران تبدیل به یک مجلس فرمایشی شود که احقاق حقوق مردم برایش اهمیتی ندارد. استبداد در لایه های آن نفوذ کرد و عملاً مجلس به محلی برای تثبیت قدرت حکومت های وقت تبدیل شد. مشروطه تنها دستاوردی نیست که در تاریخ ایران به دست آمده و به راحتی از دست رفته است. نمونه هایی شبیه به آن در زمینه های مختلف سیاسی، فرهنگی و هنری کم نداریم. این موضوع جای بحث دارد و قطعاً تک بعدی نیست. از تصمیم های اشتباه مسئولان تا مواجهه مردم با مسائل پیرامون شان در ماجرا نقش دارد. شاید پیگیری لازم را برای حفظ دستاوردهای مان نداریم. لازم است باور کنیم حفظ یک موفقیت از رسیدن به آن سخت تر است و باید برایش بیشتر تلاش کرد.

یادداشت



شیوا شاکری

ramjournalist60@gmail.com